



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

# اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۷)

## خصوصی سازی

تهیه شده در:

معاونت اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۱۶ خرداد ماه ۱۳۹۵

## پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی محیط کسب و کار، ایده تهیه و ارائه پروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، به اجرا درآمد. نسخه پیش‌رو، هفتمین خروجی این ایده می‌باشد و به منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل [research-center@iccim.ir](mailto:research-center@iccim.ir) مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

## تاریخچه خصوصی سازی

در مورد نقش دولت در اقتصاد و حدود دخالت آن، نظریه‌های مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که اگرچه دخالت دولت در کوتاه‌مدت نتایجی از قبیل رشد اقتصادی، افزایش اشتغال، ثبات اقتصادی و مواردی از این قبیل را به دنبال دارد، اما ممکن است در بلندمدت منجر به پیدایش مواردی نظیر انحصارات دولتی، فساد و توزیع رانت، بوروکراسی شدید، حمایت‌های ناکارآمد، عدم تخصیص بهینه منابع و سایر موارد شود. لذا با توجه به این موضوع، از دهه ۱۹۸۰ این تفکر به وجود آمد که سهم دولت در اقتصاد بسیار افزایش یافته و برای کاهش این سهم باید تدابیری اندیشیده شود تا به تقویت جایگاه بخش خصوصی و کاهش نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی بیانجامد. از همین رو خصوصی‌سازی، تحت برنامه تعدیل ساختاری به منظور کوچک‌سازی و کارآمدسازی دولت‌ها، توسط سازمان‌های بین‌المللی به کشورهای دنیا توصیه شد و با پیاده‌سازی این سیاست در ابعاد گسترده، نتایج متفاوتی در کشورهای مختلف با سطوح متفاوت توسعه حاصل گردید.

## تعریف خصوصی‌سازی

براساس تعریف بانک جهانی، خصوصی‌سازی به معنای انتقال مالکیت یا کنترل بنگاه‌های دولتی از دولت به بخش خصوصی است. در تعریفی دیگر خصوصی‌سازی حرکتی جهت سپردن تعیین اولویت‌ها به مکانیسم بازار تعبیر شده است. تعریف جامع‌تر را اینگونه می‌توان عنوان کرد که خصوصی‌سازی به معنای کاهش نقش دولت در اقتصاد به نحوی است که بخش خصوصی نقش پررنگ‌تری در حوزه تصدی‌گری داشته باشد.

## اهداف خصوصی‌سازی

سیاست خصوصی‌سازی در هر کشور با توجه به متفاوت بودن راهبردها و برنامه‌های اقتصادی، برای دستیابی به اهداف خاصی دنبال می‌گردد که از جمله اهم اهداف اجرای این سیاست می‌توان به تقویت ساختار رقابتی اقتصاد، افزایش بهره‌وری، تقویت نقش بخش خصوصی، افزایش کیفیت و تنوع کالاها و خدمات، ایجاد شرایط رقابتی و تقویت سلامت مالی بخش عمومی اشاره نمود.

## روش‌های رایج خصوصی‌سازی

برای پیاده‌سازی سیاست خصوصی‌سازی به شکل‌های مختلف می‌توان عمل نمود. روش اول شامل اتخاذ سیاست‌های اقتصادی در جهت کاهش نقش دولت در اقتصاد و حمایت از بخش خصوصی می‌باشد. در واقع در این روش سیاست‌های اقتصادی حاکم بر جامعه به نحوی تدوین و اجرا می‌گردد که امنیت حقوق مالکیت در جامعه برقرار شود و زمینه‌های آزادسازی، مقررات-زدایی و حذف کنترل‌ها فراهم گردد. در روش دیگر به صورت مستقیم با خود بخش خصوصی ارتباط دارد، به‌طوریکه توسعه بخش خصوصی هدف قرار داده می‌شود. در واقع در روش اول، حذف مقررات دولتی و کنترل‌ها، اجرای آزادسازی و تقویت حقوق مالکیت مدنظر است اما در روش دوم، اقداماتی فعالانه در جهت تقویت، توانمندسازی و توسعه بخش خصوصی واقعی صورت می‌گیرد. در روش سوم بحث واگذاری فعالیت‌های دولتی به بخش خصوصی مطرح است و دولت مستقیماً بنگاه‌های دولتی را واگذار می‌نماید. با توجه به سه روش مذکور، اجرای

سیاست خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، نتایج متفاوتی را به دنبال داشته است.

## الزامات و پیش‌نیازهای اجرای موفق خصوصی‌سازی

نگاهی به تجربه جهانی خصوصی‌سازی گویای آن است که اگرچه سیاست مذکور در بسیاری از کشورهای پیشرفته، دستاوردهای موفقیت‌آمیزی داشته اما در کشورهای در حال توسعه به دلایل متعدد، نتایج اجرای این سیاست با اهدافی که برای آن برشمرده شده، فاصله زیادی داشته است. موفقیت و دستیابی به اهداف هر سیاستی مستلزم در نظر گرفتن شرایط خاص هر کشور، پیش‌شرط‌ها و الزامات پیاده‌سازی آن است. خصوصی‌سازی بدون فراهم آوردن بسترهای مناسب، می‌تواند به شکست منتهی گردد. لذا برای اینکه اجرای خصوصی‌سازی به رشد اقتصادی کمک کند، باید حکومت‌ها پیش از حرکت به سمت خصوصی‌سازی، ابتدا اقدام به فراهم آوردن شرایط و الزاماتی نمایند که اهم آن‌ها به شرح ذیل است:

### ۱. رفع معضل فساد

یکی از مولفه‌های اصلی برای حرکت به سمت خصوصی‌سازی، مبارزه جدی با فساد است. چنانچه فساد و رانت‌جویی، رفتار غالب یک جامعه باشد، خصوصی‌سازی به روشی برای توزیع رانت و اعطای امتیاز بین خودی‌ها تبدیل می‌گردد و انحصارهای خصوصی جایگزین انحصارهای دولتی می‌شود که تبعاتی بس ناگوارتر از انحصارهای دولتی به همراه خواهد داشت. عدم وجود اطلاعات شفاف، سیستم قضایی ناسالم و ترجیح خودی‌ها به غیرخودی‌ها در واگذاری‌ها، به عنوان موانعی جدی برای خصوصی‌سازی به شمار می‌روند.

### ۲. بهبود محیط کسب‌وکار

مساعد بودن محیط کسب‌وکار از دیگر پیش‌شرط‌های لازم برای پیاده‌سازی خصوصی‌سازی است. تا زمانی که محیط برای انجام کسب‌وکار مناسب نباشد و بخش خصوصی با موانع عدیده‌ای برای پذیرش مسئولیت روبرو باشد، نمی‌توان انتظار مشارکت فعال بخش خصوصی واقعی را در فرآیند خصوصی‌سازی داشت. محیط نامساعد کسب‌وکار منجر به بالا رفتن هزینه-

های مبادله و قیمت تمام شده برای فعالان اقتصادی می‌گردد و شرایط را برای نقش آفرینی فعالان بخش خصوصی ناهموار می‌سازد.

### ۳. ایجاد محیط رقابتی

وجود محیط رقابتی از پیش‌شرط‌های اصلی برای سیاست خصوصی‌سازی به شمار می‌رود و در غیاب محیطی سالم و رقابتی، حرکت به سمت خصوصی‌سازی نتایج مطلوبی را به دنبال نخواهد داشت. با کاهش میزان رقابت‌پذیری در اقتصاد، تمایل بخش خصوصی برای پذیرش مسئولیت کاهش می‌یابد و انگیزه برای بهره‌مندی از منافع ناشی از رانت افزایش می‌یابد.

### ۴. حمایت از حقوق مالکیت

خصوصی‌سازی و حرکت به سمت اقتصاد بازار، علاوه بر اینکه نیازمند محیطی رقابتی است، به امنیت مالکیت خصوصی هم به عنوان حامی اقتصاد بازار، نیازمند است. دولت‌ها پیش از اقدام به خصوصی‌سازی باید امنیت حقوق مالکیت را تضمین نمایند تا اطمینان بخش خصوصی برای مشارکت در اقتصاد جلب گردد. تا زمانی که تعرض به حقوق مالکیت در اقتصاد، پدیده‌ای رایج باشد، بخش خصوصی وارد میدان نخواهد شد.

باتوجه به موارد ذکر شده، چنانچه برنامه خصوصی‌سازی بدون لحاظ کردن الزامات و پیش-شرط‌های آن، به صورت تقلیدی و بدون توجه به شرایط داخلی هر کشور اجرا گردد، می‌تواند پیامدهای ناگواری داشته باشد و بی‌ثباتی و فقر را گسترش دهد.

## وظایف دولت‌ها در امر خصوصی‌سازی

علاوه بر لزوم فراهم آوردن بسترها و شرایط مورد نیاز، دولت‌ها در طی فرآیند خصوصی‌سازی مسئولیت‌های خطیری بر عهده دارند که اهم آن‌ها در ادامه آمده است:

### ۱. تعیین بنگاه دولتی مناسب

یکی از چالش‌های دولت طی فرآیند خصوصی‌سازی، تعیین بنگاه دولتی مناسب برای فروش است. دولت‌ها معمولاً تمایل دارند که بنگاه‌هایی را که از وضعیت مناسب برخوردار نیستند، به

فروش برسانند درحالی که بخش خصوصی علاقه چندانی برای خرید چنین بنگاه‌هایی ندارد. همچنین لازم به ذکر است که واگذاری بنگاه‌های دولتی انحصاری یا بنگاه‌های عرضه کننده خدمات اساسی، توصیه نمی‌گردد.

## ۲. فروش بنگاه به قیمت مناسب

یکی از وظایف دولت در اجرای خصوصی‌سازی، فروش بنگاه به قیمت مناسب است. اگر دولت، بنگاه‌ها را به قیمت کم واگذار کند تا سریع‌تر به درآمد حاصل از فروش دست یابد، در این صورت حق شهروندان را ضایع نموده است. لذا برای فروش بنگاه در قیمت مناسب، باید برنامه خصوصی‌سازی در مقیاس و زمان مناسب انجام شود. به عنوان مثال اگر دولتی تصمیم داشته باشد که تعداد زیادی بنگاه را در مدت زمان کوتاه واگذار کند، این امر سبب کاهش قدرت چانه‌زنی دولت برای فروش بنگاه‌ها می‌شود که در نتیجه امکان دارد واگذاری بنگاه به قیمتی کمتر از قیمت واقعی آن صورت گیرد.

## ۳. فروش بنگاه به خریدار مناسب و اخذ تضمین‌های لازم

یکی دیگر از چالش‌های پیش روی دولت، شناسایی خریداران مناسب است. برای دستیابی به اهداف خصوصی‌سازی، لازم است بنگاه دولتی به خریدارانی واگذار شود که با قیمتی منطقی، تضمین‌کننده افزایش بهره‌وری، ایجاد اشتغال و انجام سرمایه‌گذاری در بلندمدت باشند. در دولت‌های فاسد، بنگاه‌های دولتی از طریق زد و بند به افرادی واگذار می‌شوند که شایستگی اداره کارآمد آن‌ها را ندارند و دولت و جامعه از بخش بزرگی از عواید بالقوه فروش، محروم می‌گردند.

## نگاهی به تجربه‌های خصوصی‌سازی در سایر کشورها

### آلمان: تجربه موفق

تجربه آلمان در پیاده‌سازی سیاست خصوصی، به لحاظ تاریخی منحصر به فرد و درخور توجه است. این کشور از اواخر دهه ۱۹۸۰ اصلاحات ریشه‌ای را در دستور کار خود قرار داد، بسترهای لازم برای خصوصی‌سازی را مهیا نمود و امنیت حقوق مالکیت را به عنوان مساله مهم

اصلاحات مورد توجه قرار داد. دولت آلمان برای اجرای موفق خصوصی سازی، یک هیات نظارتی برای این سیاست در نظر گرفت که این هیات نمایندگانی از سازمان ها و بخش های مختلف اقتصاد داشت.

معیار فروش بنگاه ها در این کشور، بالاترین قیمت نبود، بلکه بنگاه ها به خریدارانی واگذار می شدند که متضمن تداوم کسب و کار قبلی بنگاه باشند. در همین راستا تضمین هایی در خصوص قیمت، اشتغال و سرمایه گذاری از خریداران گرفته می شد. به طور کلی این کشور توانست از طریق اقداماتی نظیر ایجاد محیط مناسب کسب و کار و ساختار نهادی و حقوقی قابل اطمینان به ویژه در خصوص مالکیت و رقابت، ترتیب دادن تورهای ایمنی و بیمه بیکاری برای ایجاد امنیت اجتماعی، تجدید ساختار بنگاه های دولتی، گرفتن تضمین های لازم از خریداران بنگاه ها و شفاف سازی رویه های خصوصی سازی، طی ۵ سال سیاست خصوصی سازی را اجرا نماید و به اهداف مورد نظر دست یابد.

### روسیه: تجربه شکست خورده

بررسی تجربه کشور روسیه نشان می دهد که در این کشور خصوصی سازی به صورت انبوه و با سرعت بالا بدون در نظر گرفتن الزامات آن در دستور کار قرار گرفت و مردم را در معرض تبعات شوک قیمتی ناشی از آزادسازی و تورم لجام گسیخته قرار داد. در این کشور به دلیل فضای فسادآلود و رانتی، اغلب واگذاری ها به خودی ها صورت گرفت. قیمت یک معامله به ندرت عامل اصلی تصمیم گیری در یک فروش بود، بلکه میزان نفوذ مدیران بنگاه در مقامات بلند پایه سیاسی، تعیین کننده ترین عامل تصمیم گیری بود. همچنین به دلیل گستردگی شبکه های رانتی در این کشور، میزان فرار سرمایه در فرآیند خصوصی سازی بی سابقه بود و این سیاست سبب شد که بخش اعظمی از ثروت روسیه به خارج از این کشور منتقل گردد. لذا این نحوه خصوصی سازی در روسیه، نه تنها به توفیق اقتصادی کشور کمک نکرد، بلکه بدون توجه به الزامات آن، منجر به بی اعتمادی مردم نسبت به دولت و اصلاحات، توزیع رانت و بروز پدیده بیکاری شد.

## چین: تجربه‌ای متفاوت

چین با دنبال کردن سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار، بدون اینکه مستقیماً اقدام به واگذاری بنگاه‌های دولتی نماید، منجر به ورود بی‌سابقه بخش خصوصی به فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه دستیابی به رشد اقتصادی گردید. در واقع این کشور با وقوف به این مساله که زمینه اجتماعی، سیاسی و تاریخی هر کشور با کشور دیگر فرق دارد، به جای اینکه صرفاً برنامه مشاوران غربی را به کار گیرد، حرکت تدریجی به سمت اقتصاد بازار را در دستور کار خود قرار داد و دست یافتن به ثبات اقتصادی، رقابت و ایجاد بنگاه‌ها و مشاغل جدید را بر خصوصی‌سازی مقدم دانست. در حقیقت این کشور توانست با رفع موانع کسب‌وکار در طول سه دهه اخیر، سهم بخش خصوصی را از کمتر از ۲۰ درصد در پایان دهه ۷۰ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۴، افزایش دهد و به این ترتیب حدود ۵۰۰ میلیون نفر از فقر نجات یافتند. تجربه کشور چین در مقایسه با روسیه این ایده را مطرح ساخت که برای تبدیل اقتصاد دولتی به اقتصاد غیردولتی، می‌توان بدون واگذاری و تنها با تمرکز بر رفع موانع کسب‌وکار و فراهم ساختن شرایط لازم برای ورود بخش خصوصی به اقتصاد، به رشد بخش خصوصی دست یافت و سهم این بخش را در اقتصاد افزایش داد.

## تجربه خصوصی‌سازی در ایران

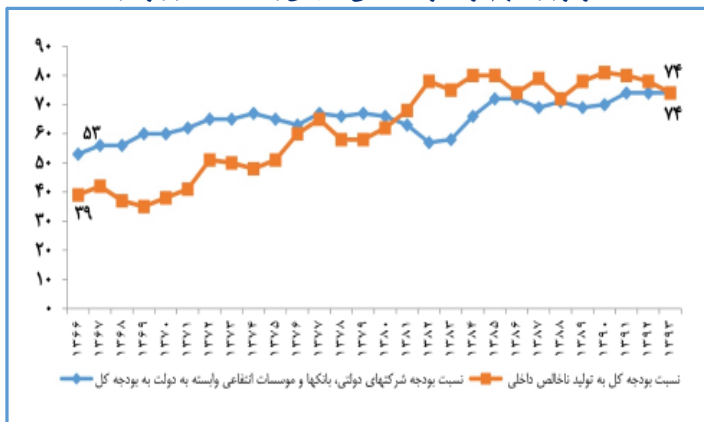
بعد از جنگ تحمیلی، با این استدلال که اقتصاد ایران یک اقتصاد دولتی و ناکارآمد است و سهم دولت در اقتصاد بسیار زیاد است، سیاست خصوصی‌سازی در قالب برنامه تعدیل ساختاری اجرا شد. لذا طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ در برنامه اول و دوم توسعه، این سیاست در دستور کار قرار گرفت و همچنین در فصل سوم از قانون برنامه سوم توسعه، برنامه خصوصی‌سازی به عنوان اولین مجموعه یکپارچه، ترسیم گردید. با وجود توجه به خصوصی‌سازی در برنامه‌های توسعه، این سیاست با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در سال ۱۳۸۴ بیشتر مورد اهمیت قرار گرفت و به صورت جدی‌تر دنبال گردید.

با وجود اینکه طی چند دهه اخیر، خصوصی‌سازی از برنامه‌های اصلی دولت‌ها بوده است، اما بررسی عملکرد اجرای این سیاست در کشور بیانگر آن است که عدم توجه به الزامات و پیش‌نیازهای آن، عملکرد خصوصی‌سازی در کشور با اهدافی که از آن وعده داده شده بود، تفاوت فاحشی دارد و نیازمند یک بازبینی اساسی است.



سیاست‌گذاران با این استدلال که دخالت دولت در اقتصاد بالا است، اقدام به خصوصی‌سازی کردند، اما بررسی بودجه‌های سنواری کشور طی ۳۰ سال اخیر نشان دهنده آن است که علیرغم دنبال کردن برنامه خصوصی‌سازی، نه تنها حجم دولت کاهش نیافته، بلکه همچنان سهم تصدی‌گری‌های دولت افزایش نیز یافته است. در نمودار (۱) سهم دولت در اقتصاد طی بازه زمانی (۱۳۶۶-۱۳۹۳) نشان داده شده است.

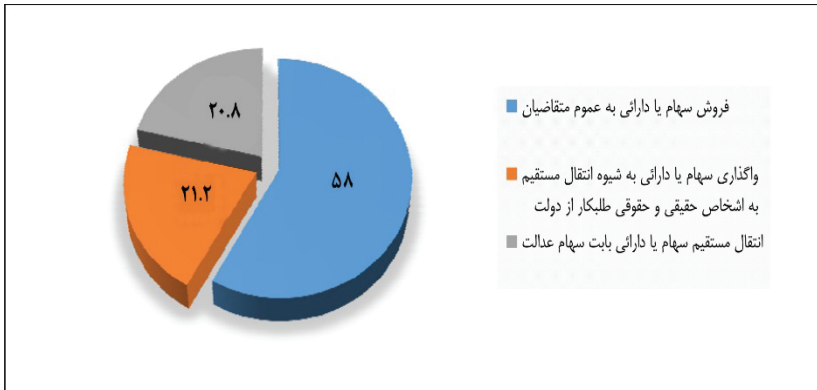
نمودار (۱): سهم دولت در اقتصاد طی سال‌های (۱۳۶۶-۱۳۹۳) (درصد)



منبع: قوانین بودجه سالانه و سری‌های زمانی بانک مرکزی

بررسی آمار واگذاری سهام شرکت‌های دولتی طی بازه زمانی (۱۳۸۰-۱۳۹۵/۲/۲۴) نشان می‌دهد که حدود ۴۲ درصد از واگذاری‌ها بابت رد دیون دولت و سهام عدالت بوده که با اهداف مورد نظر برای خصوصی‌سازی همخوانی ندارد. واگذاری سهام شرکت‌ها دولتی بابت رد دیون بیانگر این مسئله است که دغدغه اصلی دولت از این نوع واگذاری، ایجاد یک منبع درآمدی جهت تسویه بدهی‌های خود فارغ از صلاحیت خریدار می‌باشد. همچنین در خصوص واگذاری شرکت‌های دولتی در قالب سهام عدالت که با هدف توزیع عادلانه ثروت صورت می‌گیرد، باید اشاره داشت که این نوع واگذاری به دلایلی از قبیل عدم دقت کافی در شناسائی مشمولین طرح، دامنه زمانی بلندمدت طرح و تدریجی بودن فرآیند واگذاری، نحوه پرداخت سود سهامداران و سایر موارد، کارکرد توسعه‌ای در کشور به همراه نداشته و منجر به کاهش فقر در کشور نشده است. در نمودار (۲) آمار واگذاری سهام شرکت‌های دولتی نشان داده شده است.

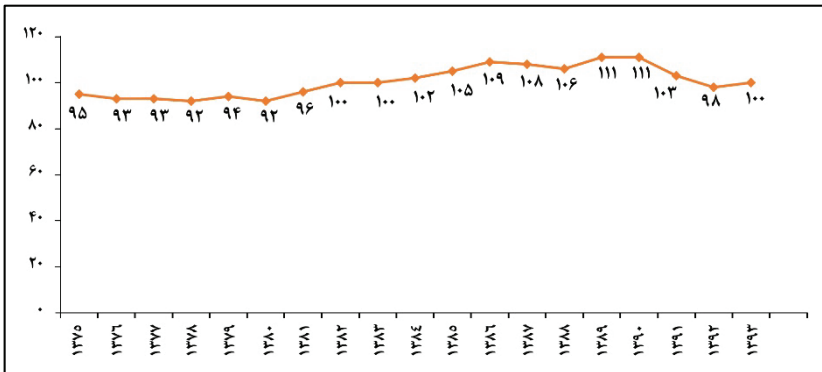
نمودار (۲): آمار واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به تفکیک نوع واگذاری طی دوره (۱۳۸۰-۱۳۹۵/۲/۲۴)



منبع: سازمان خصوصی‌سازی ایران

از دیگر اهداف مهم اجرای سیاست خصوصی‌سازی، بهبود بهره‌وری در اقتصاد است. بررسی شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید طی بازه زمانی (۱۳۷۵-۱۳۹۳) بیانگر این امر است که نه تنها به دنبال اجرای سیاست خصوصی‌سازی در کشور، بهره‌وری افزایش معناداری نیافته بلکه به دلیل فراهم نبودن بسترهای مورد نیاز، گاهی شاهد کاهش بهره‌وری در برخی از سال‌ها نیز بوده‌ایم. در نمودار (۳) روند شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید نشان داده شده است.

نمودار (۳): شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید (براساس سال پایه ۱۳۸۰) طی سال‌های (۱۳۷۵-۱۳۹۳)



منبع: سازمان ملی بهره‌وری ایران

## دلایل عمده شکست خصوصی‌سازی در کشور

۱. وجود فساد گسترده

همانطور که اشاره شد، فساد یکی از مهمترین عواملی است که انگیزه بخش خصوصی واقعی را برای ورود به فعالیتهای اقتصادی مولد، کاهش می‌دهد. براساس گزارش بین‌المللی ادراک فساد در سال ۲۰۱۵، ایران از ۱۰۰ نمره (بهترین وضعیت) تنها ۲۷ نمره کسب نموده و طبق گزارش "پایش محیط کسبوکار ایران در پاییز ۱۳۹۴"، وجود مفاصد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی به عنوان چهارمین مشکل در فضای کسبوکار ارزیابی شده است که بیانگر شیوع گسترده فساد در کشور می‌باشد.

۲. محیط کسبوکار نامساعد

براساس گزارش "انجام کسبوکار" بانک جهانی در سال ۲۰۱۶، ایران در میان ۱۸۹ کشور در جایگاه ۱۱۸ قرار گرفته است و از ۱۰۰ نمره (بهترین وضعیت) تنها ۵۷٫۴ نمره کسب کرده که حاکی از اوضاع نامساعد محیط کسبوکار کشور است. همچنین برطبق گزارش "پایش محیط کسبوکار ایران در پاییز ۱۳۹۴"، ارزیابی تشکلهای اقتصادی درخصوص نامساعد بودن محیط کسبوکار، نمره ۶٫۰۴ از ۱۰ (بدترین وضعیت) بوده است.

۳. بی‌ثباتی اقتصاد کلان

بخش خصوصی برای حضور در اقتصاد به ثبات، امنیت و قابلیت پیش‌بینی‌پذیری برای انجام سرمایه‌گذاری بلندمدت نیازمند است. وجود نوسانات زیاد در شاخص‌های اقتصاد کلان نظیر تورم‌های فزاینده، نوسانات نرخ ارز، تغییر قوانین و مقررات و سایر موارد باعث می‌شود که بخش خصوصی نتواند از حداقل اطمینان برای پذیرش مسئولیت در عرصه اقتصاد برخوردار شود.

#### ۴. حقوق مالکیت ناکارآمد

براساس شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی در سال ۲۰۱۵، ایران از ۱۰ نمره (بهترین وضعیت) تنها ۴ نمره کسب نموده و با توجه به گزارش رقابت‌پذیری در سال ۲۰۱۵، نمره حقوق مالکیت ایران به عنوان یک عامل نهادی تاثیرگذار بر رقابت‌پذیری اقتصادی معادل ۳,۹ از ۷ (بهترین وضعیت) می‌باشد که نشان از عدم امنیت حقوق مالکیت در کشور دارد.

علاوه بر موارد فوق، عوامل دیگری از قبیل انتخاب همه بخش‌ها برای خصوصی‌سازی، عدم توجه به تجدید ساختار و آماده‌سازی شرکت‌ها پیش از واگذاری و عدم نظارت دولت بر نحوه اداره شرکت‌های واگذار شده در خصوص اطمینان از ادامه عملیات، حفظ اشتغال و انجام سرمایه‌گذاری، به اجرای ناموفق سیاست خصوصی‌سازی در کشور انجامیده است. در پایان لازم به ذکر است با توجه به مشکلاتی که بر سر راه برنامه خصوصی‌سازی قرار دارد، ضروری است پیش از ادامه مسیر، ابتدا شرایط اولیه برای اجرای این سیاست مهیا گردد. به عبارت دیگر باید مبارزه با پدیده فساد، بهبود محیط کسب‌وکار، تضمین حقوق مالکیت و حمایت موثر و هدفمند از بخش خصوصی در دستور کار ارکان حکومت قرار گیرد. پیش از این اقدامات، ادامه روند فعلی، به بهبود اوضاع و تقویت نقش بخش خصوصی در اقتصاد نخواهد انجامید.





## فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف □

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقید؟

□ بلی □ خیر □

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

لطفاً این فرم را پس از تکمیل جدا نموده و به دفتر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران تحویل فرمایید.







# یادداشت

A series of horizontal dotted lines for writing notes.